



دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی

## **موضوع:**

**تدوین مدل موفقیت تحصیلی بر اساس سبک‌های تفکر دانشجویان دانشگاه  
بجنورد**

## **استاد راهنما:**

دکتر فریبرز درتاج

## **استاد مشاور:**

دکتر علی دلاور

## **استاد داور:**

دکتر نورعلی فرخی

## **دانشجو:**

لیلا جوادی علمی

سال تحصیلی ۸۹-۸۸

تقدیم به

نگاه عاشقانه مادرم

دستان پر مهر پدرم

همسر مهربانم

که بهترین انتخاب زندگی ام بود.

## تقدیر و تشکر

به نام او که هر چه دارم از اوست، او که بی منت و رایگان می بخشد و هر گاه بخواهد می ستاند. پس از ثنای الهی که تمام تلاشها بدون عنایتش بی حاصل است، بر خود واجب می دانم از کلیه اساتیدی که مرا در انجام این پژوهش یاری نموده اند، کمال تشکر و قدردانی را بنمایم.

- جناب آقای دکتر درتاج که راهنمایی این پژوهش را تقبل و با بردباری تمام مرا در انجام آن یاری نمودند.

- جناب آقای دکتر دلاور، به خاطر مطالعه صبورانه، ارائه نقطه نظرات عالمانه، پیشنهادهای سازنده و مساعدتهای موثرشان. هر چند که در مکتب درس لیاقت شاگردی شان را نداشتم ولی خوشحالم که در واحد پایان نامه این افتخار نصیب من شد.

- جناب آقای دکتر فرخی که داوری این پایان نامه را بر عهده داشتند و با نظر سنجی دقیق و عالمانه خود، موجبات بهتر شدن آن را فراهم آوردند کمال تشکر را دارم.

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل موفقیت تحصیلی براساس سبک های تفکر دانشجویان انجام شده است. روش پژوهش همبستگی و از نوع پیش بینی است. جامعه آماری این پژوهش تمامی دانشجویان کارشناسی دانشگاه بجنورد است. نمونه ای به حجم ۳۴۷ نفر (۱۳۴ مرد و ۲۱۳ زن) به شیوه نمونه گیری خوشه ای - طبقه ای انتخاب شدند و پرسشنامه سبک های تفکر استرنبرگ - واگنر را تکمیل کردند. برای بررسی موفقیت دانشجویان، میانگین معدل دو ترم تحصیلی آنها از طریق دانشگاه جمع آوری گردید. داده های این پژوهش با استفاده از روشهای آمار توصیفی ( میانگین، درصد، جداول، نمودار) و استنباطی ( رگرسیون چندمتغیری با روش گام به گام) و همچنین تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار لیزرل تحلیل شد. یافته های پژوهش در روش آماری رگرسیون چند متغیره نشان داد که سبک های تفکر قانونی، اجرایی، قضایی، سلسله مراتبی با موفقیت تحصیلی رابطه مثبت و معنی دار دارند و از میان سبک های تفکر، سبک های تفکر قانونی، سلسله مراتبی، داخلی پیش بینی کننده موفقیت تحصیلی دانشجویان بودند. سبک تفکر قانونی، سلسله مراتبی پیش بینی کننده پیشرفت تحصیلی بالا و سبک تفکر داخلی پیش بینی کننده پیشرفت تحصیلی پایین است. برای تحلیل داده ها با استفاده از روش تحلیل مسیر، به کمک نرم افزار لیزرل LISREL، اثرات مستقیم سبک های تفکر بر موفقیت تحصیلی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده در این پژوهش در قالب مدل بیان شده است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که سبک تفکر قانون گذارانه بر موفقیت تحصیلی اثر معنادار دارد. در این مدل متغیرهای پژوهشی توانستند ۷ درصد از واریانس موفقیت تحصیلی را پیش بینی نمایند. از دیگر نتایج حاصل شده در این پژوهش کسب شاخص های برازش مطلوب و مناسب مدل با داده های پژوهشی بود. در مجموع نتایج پژوهش حاضر مؤید آن است که در مطالعه موفقیت تحصیلی دانشجویان توجه به نقش سبک های تفکر نکته ای حائز اهمیت است. همچنین یافته های پژوهش نشان داد که رابطه معنی داری بین سبک های تفکر و رشته تحصیلی وجود دارد.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات پژوهش

۲	مقدمه
۶	بیان مسئله
۸	ضرورت و اهمیت
۹	سؤالات تحقیق
۱۰	فرضیه های تحقیق
۱۲	اهداف تحقیق
۱۲	تعریف متغیرها

### فصل دوم: ادبیات تحقیق

۱۷	مقدمه
۱۷	پیشرفت تحصیلی
۱۸	عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی
۲۱	مدل های پیشرفت تحصیلی
۲۹	تفکر
۲۹	سبک
۳۱	رویکرد شناخت - محور
۳۳	رویکرد شخصیت - محور
۳۴	رویکرد فعالیت - محور
۳۶	رویکرد خودحکومتی ذهنی
۳۷	کارکردهای سبک تفکر

۴۰	اشکال سبک تفکر
۴۳	سطوح سبک تفکر
۴۴	حوزه های سبک تفکر
۴۵	گرایش های سبک تفکر
۴۷	متغیرهای موثر در تحول سبک های تفکر
۴۸	فرهنگ
۴۸	جنسیت
۴۹	سن
۵۰	سبکهای تفکر والدین
۵۰	مدرسه و شغل
۵۱	اصول سبک های تفکر
۵۲	سبکهای تفکر و توانایی ها
۵۲	سبکهای تفکر در کلاس و آموزش
۵۶	پیشینه تحقیقات خارجی
۶۳	پیشینه تحقیقات داخلی

### فصل سوم: روش تحقیق

۶۸	مقدمه
۶۸	روش تحقیق
۶۸	جامعه آماری
۶۸	نمونه آماری
۶۹	روش نمونه گیری
۶۹	ابزار اندازه گیری

۷۰..... پایایی و روایی پرسشنامه سبک های تفکر.....

۷۲..... روش تجزیه و تحلیل داده ها.....

### فصل چهارم :تحلیل داده ها

۷۴..... مقدمه.....

۷۴..... ویژگی های جمعیت شناختی دانشجویان.....

۷۴..... جنس دانشجویان.....

۷۵..... رشته تحصیلی دانشجویان.....

۷۶..... ماتریس همبستگی.....

۷۷..... رگرسیون چند متغیره با روش گام به گام.....

۸۱..... رابطه بین سبک های تفکر و رشته تحصیلی.....

۸۴..... یافته های تحلیل مسیر.....

۹۳..... شاخص های برازش مدل.....

۹۳..... شاخص کای اسکوار.....

### فصل پنجم :بحث و نتیجه گیری

۹۵..... مقدمه.....

۹۵..... بحث و نتیجه گیری.....

۱۰۲..... محدودیت های پژوهش.....

۱۰۲..... پیشنهادات کاربردی.....

۱۰۳..... پیشنهادات پژوهش.....

۱۰۴..... منابع فارسی.....

۱۰۸..... منابع خارجی.....

۱۱۲..... پیوست.....





## فهرست جداول

صفحه	عنوان
۳۰.....	جدول ۲-۱ رویکردهای مختلف به سبک.....
۳۳.....	جدول ۲-۲ سبک های شناختی دو بعدی شناخته شده.....
۵۳.....	جدول ۲-۳ سبک های تفکر و روشهای آموزش.....
۵۴.....	جدول ۲-۴ انواع ارزشیابی و سبک های متناسب با آنها.....
۵۵.....	جدول ۲-۵ سبک های تفکر و تکالیف آموزشی / ارزشیابی.....
۶۹.....	جدول ۳-۱ روش نمونه گیری.....
۷۴.....	جدول ۴-۱ توزیع فراوانی، درصد جنسیت دانشجویان.....
۷۵.....	جدول ۴-۲ توزیع فراوانی، درصد رشته های تحصیلی دانشجویان.....
۷۷.....	جدول ۴-۳ ماتریس ضرایب همبستگی بین مؤلفه های سبک تفکر و عامل پیشرفت تحصیلی.....
۷۸.....	جدول ۴-۴ خلاصه نتایج ضرایب رگرسیون و ضرایب برآورد در تحلیل رگرسیون گام به گام.....
۷۸.....	جدول ۴-۵ تحلیل رگرسیون گام به گام مربوط به متغیر وابسته موفقیت تحصیلی.....
	جدول ۴-۶ نتایج تحلیل رگرسیون در گام اول مربوط به متغیر وابسته موفقیت تحصیلی و متغیر
۷۹.....	مستقل سبک تفکر سلسله مراتبی.....
	جدول ۴-۷ نتایج تحلیل رگرسیون در گام دوم مربوط به متغیر وابسته موفقیت تحصیلی و متغیر
۸۰.....	مستقل سبک تفکر سلسله مراتبی و قانونی.....
	جدول ۴-۸ نتایج تحلیل رگرسیون در گام سوم مربوط به متغیر وابسته موفقیت تحصیلی و متغیر
۸۰.....	مستقل سبک تفکر سلسله مراتبی و قانونی و داخلی.....
۸۲.....	جدول ۴-۹ میانگین و انحراف استاندارد مولفه های سبک تفکر به تفکیک رشته ها.....
۸۹.....	جدول ۴-۱۰ مقادیر اثرات مستقیم و ضرایب مسیر در مدل.....
۹۲.....	جدول ۴-۱۱ معادله پیش بینی متغیرهای ملاک در مدل.....

جدول ۴-۱۲ شاخص های برآزش در مدل.....۹۳

## فهرست نمودارها

عنوان	صفحه
نمودار ۱-۱ مدل اولیه جهت برآزش .....	۱۱
نمودار ۱-۴ فراوانی جنسیت دانشجویان .....	۷۴
نمودار ۲-۴ فراوانی رشته های تحصیلی دانشجویان .....	۷۵
نمودار ۳-۴ میانگین مولفه های سبک تفکر در رشته فنی و مهندسی .....	۸۲
نمودار ۴-۴ میانگین مولفه های سبک تفکر در رشته علوم پایه .....	۸۳
نمودار ۵-۴ میانگین مولفه های سبک تفکر در رشته علوم انسانی .....	۸۳
نمودار ۶-۴ میانگین مولفه های سبک تفکر در رشته هنر .....	۸۴
نمودار ۷-۴ مدل تحلیل مسیر بر حسب ضرایب برآورد شده .....	۸۸

فصل

اول :

طرح تحقيق

در جهان امروز با توجه به پیچیده شدن فرایند توسعه ، نیاز به آگاهی و دانش هر لحظه بیشتر شده است . تصور دسترسی به جامعه ای صنعتی و مدرن بدون سرمایه گذاری آموزشی امری محال است.

آموزش عالی یکی از نهادهای مهم است که با توجه به وظیفه خطیر پرورش افراد اجتماع ، مسئولیت عظیمی در غنی شدن هر چه بیشتر سرمایه های علمی و معنوی جامعه برعهده دارد. نیروهای پرورش یافته توسط آموزش عالی ، باید در زمینه های مختلف اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و علمی ایفای نقش کنند . بنابراین هر چه که یک کشور به آموزش عالی خود بها دهد و آنرا غنی تر سازد به بیراهه نرفته ، بلکه رشد و شکوفائی جامعه را تضمین خواهد کرد . پرداختن به این امر در کشور های در حال توسعه به دلیل کمبود منابع و امکانات و افزایش سریع جمعیت ، پررنگ تر شده و اهمیت بیشتری پیدا می کند. چه کنیم تا فاصله های عمیقی که بین کشور ما و کشورهای صنعتی و پیشرفته وجود دارد ، هر چه زودتر از بین برود ؟ با این حجم وسیع دانش چگونه خود را همگام سازیم ؟ آیا راه حلی وجود دارد که بتوان منابع مالی و انسانی که هر ساله به میزان وسیعی در آموزش بیهوده اتلاف می شود را به بهترین نحوی مورد استفاده قرار داد. یکی از تدابیر لازم برای بهینه سازی آموزش کشور، پرداختن به مسائل و عوامل موثر بر رشد و پیشرفت تحصیلی<sup>۱</sup> دانشجویان است . این که چه عواملی بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانشجویان تأثیر می گذارد ، یا سهم و مشارکت هر عامل چه اندازه است ، همواره از حیطه های مورد علاقه پژوهشگران تربیتی و حتی روان شناسان تربیتی بوده است . مطمئناً مجموعه ای از عوامل فردی و محیطی یا عوامل شناختی و غیر شناختی بر پیشرفت تحصیلی دانشجو تأثیر می گذارد ، البته در هیچ پژوهشی امکان جمع آوری و تحلیل همه این متغیر ها در کنار هم وجود ندارد . متغیر پیشرفت تحصیلی چند بعدی است و از عوامل متعدد و بیشماری تأثیر می پذیرد . گسترش پژوهش ها و

---

<sup>۱</sup> - Academic achievement

یافته های حاصل از آنها در سطح آموزش عالی ، هر گونه تفکر مبتنی بر ساده انگاری برای تبیین پیشرفت تحصیلی را نفی می کند . در این گستره ، مدل های علی پیشرفت تحصیلی که مدعی نظریه مداری هستند و خود را پشت گرم به نظریه می دانند ، مدل پیشنهادی خود را فقط یکی از مدل های موجود از میان مدل های ممکن معرفی می کنند ( لواسانی ، دراتی ، ۱۳۸۳؛ به نقل از تورانی، ۱۳۸۷). بوساتو<sup>۱</sup> و همکاران ( ۲۰۰۰؛ به نقل از تورانی، ۱۳۸۷) هم معتقدند که پیش بینی عملکرد تحصیلی ، یکی از موضوعات محوری مورد علاقه روان شناسان تربیتی است .

امروزه جمعیت دانشجویان بر حسب تجربه آموزشی ، زمینه اجتماعی و فاکتورهای فرهنگی نسبت به هر زمان در گذشته با هم متفاوت هستند . تفاوت دسته های گوناگون دانشجویان افزایش تقاضا را برای محیط های یادگیری منعطف به وجود می آورد . دانشجویان هم اکنون تحت فشار های روانی گوناگونی بوده و برای اینکه بتوان نیاز های این افراد را تشخیص داد ، باید عوامل تأثیر گذار بر پیشرفت تحصیلی آنان را شناسایی کرد (بارتون و نلسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴).

گاه در تحقیقات مربوط به موفقیت تحصیلی ، به عوامل بیرون از فرد و گاه به عوامل درونی یادگیری توجه شده است . متغیرهایی همچون منابع آموزشی ، شکل و ساختار این منابع ، به کارگیری وسایل تکنولوژی ، شیوه های آموزش و تدریس ، وضعیت فرهنگی خانواده ، نظام شخصیتی یادگیرنده ، میزان هوش وی و یا استعداد های خاص او و رابطه اش با موفقیت تحصیلی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است . در این پژوهش ها ، در مواردی اثر مستقیم متغیر ها بر رفتارهای آموزشی یادگیرنده و در مواردی اثر متغیرها از طریق میانجی ها و یا متغیر های واسطه مورد مطالعه قرار گرفته است ( هرمرزی ، ۱۳۸۷) . به طور کلی با شناخت عوامل موثر بر موفقیت تحصیلی و کشف الگوهای ساختاری موفقیت تحصیلی ، می توان برنامه های آموزشی مناسب را برای وصول یادگیرندگان به اهداف آموزشی و هدایت آنان به سمت هدفها ، طراحی و اعمال کرد . بدین ترتیب زمینه برای بهبود و افزایش عملکرد تحصیلی یادگیرندگان فراهم شده تا آنان با صرف

---

<sup>۱</sup> - Busato-

<sup>۲</sup> -Burton & Nelson

انرژی و هزینه کمتر، بازده بیشتری داشته و با سرعت بیشتری به هدفها نائل شوند. توانائی های شناختی، به طور وسیع به عنوان پیش بینی کننده های کلیدی موفقیت تحصیلی در نظر گرفته شده است (آکرمان<sup>۱</sup>، هجستاد<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶؛ به نقل از بارتون و نلسون، ۲۰۰۴). مطالعه رشد تاریخی فرایندهای روان شناختی موثر بر موفقیت تحصیلی نشان می دهد که ظاهراً تحولی در دیدگاههای روان شناسان اتفاق افتاده است. این تحول اشاره به انتقال دیدگاههای رفتارگرایانه به سمت و سوی دیدگاههای شناخت گرایانه دارد (هرمزی، ۱۳۸۷). ناصری (۱۳۸۱)؛ به نقل از هرمزی، ۱۳۸۷) نیز معتقد است، که در سالهای اخیر جهت گیری های متخصصان و محققان در این زمینه از عوامل رفتاری صرف به سوی جهت گیری های شناختی تغییر یافته است. هر چند که عوامل غیر شناختی هم، همانند عوامل تفاوت فردی، همچنین گمان می رود، نقش ارزنده و کلیدی داشته باشند و در یادگیری دانشجویان، این عامل شامل سبک های تفکر<sup>۳</sup> است (استرنبرگ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸؛ تساگاریس، ۲۰۰۶).

یک اصل اساسی در روانشناسی معاصر این است که سطح توانائی، یکی از مهمترین پیش بینی کننده های موفقیت و پیشرفت قلمداد می شود. هر چند که ممکن است روان شناسان و مربیان به پشتوانه نظریه های متفاوت درباره این موضوع، با یکدیگر اختلاف نظر داشته باشند، اما شواهدی در دست است که نشان می دهد توانایی ها از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردارند (گریگور رنکو<sup>۵</sup> و استرنبرگ، ۱۹۹۷؛ به نقل از فرزاد و همکاران ۱۳۸۵). با این وجود توانایی، نمی تواند عملکرد تحصیلی را به طور کامل پیش بینی کند، به عبارت دیگر، بر مبنای تفاوت در توانایی دانشجویان، نمی توان به این سؤال که «چرا برخی از دانش آموزان در مدرسه نمره الف می گیرند، در صورتی که دانش آموزان دیگر با همان توانایی در امتحان رد می شوند؟» پاسخ داد (استرنبرگ و ویلیامز<sup>۶</sup>، ۱۹۹۷؛ به نقل از فرزاد و همکاران، ۱۳۸۵). بر این اساس، با آگاهی از این که تفاوت در توانایی

<sup>۱</sup> -Ackerman

<sup>۲</sup> - Heggstad

<sup>۳</sup> - Thinking styles

<sup>۴</sup> - Sternberg

<sup>۵</sup> - Grigorenko

<sup>۶</sup> - Williams

فقط می تواند بخشی از تفاوت در عملکرد تحصیلی را تبیین کند، تعداد زیادی از محققان نقش با اهمیت و پیش بینی کننده متغیر های غیر مرتبط با توانایی یا عوامل غیر تحصیلی را بر پیشرفت تحصیلی سرلوحه فعالیت های پژوهشی خود قرار داده اند . این عوامل گستره وسیعی از سبک های تفکر (استرنبرگ و گریگورنکو، ۱۹۹۷؛ تساگاریس، ۲۰۰۶؛ کیم، ۲۰۰۹؛ فرخی، ۱۳۸۳؛ شگری و همکاران، ۱۳۸۵) نشان داده شده است.

آنچه که در بیشتر پژوهش های قبلی صورت گرفته، کشف روابط همبسته یک متغیر با پیشرفت تحصیلی است اما با توجه به پیچیدگی موضوع پیشرفت تحصیلی ، شناخت مجموعه ای از متغیر های مؤثر بر پیشرفت تحصیلی ، تصویری دقیق تر از آن را ارائه می دهد . به عبارتی تأثیر همزمان مولفه های سبک تفکر در مدل بر پیشرفت تحصیلی مورد بررسی قرار می گیرد . ساروخانی ( ۱۳۸۵ ) نیز معتقد است : « اگر بگویم فلان پدیده با پدیده دیگر رابطه دارد ، چیز خاصی نگفته ایم ، معنای دقیق عوامل زمانی به دست می آید که در درون مجموعه ای معین دیده و شناخته شود . بدون شناخت مجموعه ، شناخت تأثیر دقیق عامل غیر ممکن خواهد بود . هیچ متغیری نیست که در همه جا یک معنا و یک تأثیر داشته باشد، عوامل در درون مجموعه ها جای می گیرند ، معنای دقیق می یابند ، ضریب تأثیر و مسیر تأثیر آنان در چارچوب آن کل یا مجموعه دیده می شود » . حمیدی زاده ( ۱۳۷۲ ؛ به نقل از هرمزی ، ۱۳۸۷ ) می نویسد : « مدل ، ابزار تعدیل واقعیت برای انطباق با شرایط نظریه است . برای رساندن واقعیت به سطح نظریه یا برای اجرای نظریه ها به مدل نیاز است . مدل ، مجموعه مفروضی است که از آن نتیجه و یا مجموعه نتایج به طور منطقی استنباط می شود » .

باید توجه داشت ، هر چند که ممکن است برخی ویژگی های شخصیتی دانشجو در پیشرفت تحصیلی وی مؤثر باشد ، اما مسئولیت رساندن دانشجو و هدایت وی به سمت اهداف آموزشی و کمک به وی در رفع موانع و مشکلات به عهده سازمان آموزش دهنده و دیگر سازمانهای حمایت کننده اجتماعی است ( هرمزی ، ۱۳۸۷ ) .



## بیان مسئله:

پیشرفت تحصیلی بیانگر میزان دستیابی به استانداردها و اهداف آموزشی است (ربر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵) به عبارت دیگر به معنای موفقیت است و برای تعیین پیشرفت در تحصیل به کار می رود (منصور و همکاران، ۱۳۶۵). پیشرفت تحصیلی به عنوان مسئولیت نهادهای آموزشی معرفی می گردد. برای معلم روشن ساختن علت پیشرفت تحصیلی بالا و پایین ضروری می باشد و در نهایت باعث پیشرفت دانش آموزانی می شود که باعث نگرانی والدین، معلمان، نهادها و جامعه هستند. در حقیقت آینده هر آموزشی بسته به پیشرفت تحصیلی دانش آموزان آن می باشد. در چند قرن گذشته تحقیقاتی در خصوص تعیین پیشرفت تحصیلی و رابطه آن با عوامل گوناگون صورت گرفته است. در آغاز این تحقیقات سعی بر شناسایی عوامل درون فردی داشتند که نقش مهمی در تاثیرگذاری بر رفتارهای تحصیلی ایفا می کردند. تعداد قابل توجهی از تحقیقات اولیه به بررسی رابطه بین متغیرهای درون فردی هوش و جهت گیری انگیزش، و عملکرد تحصیلی اختصاص یافته بودند. همچنین برخی از پژوهشهای دیگر عوامل درون فردی مرتبط با پیشرفت تحصیلی از قبیل شخصیت، خود ادراکی، خلاقیت، سبک های تفکر و یادگیری را آغاز کردند.

سبک تفکر عبارت است از: شیوه ی ترجیهی تفکر، سبک مترادف با توانایی نیست بلکه نحوه استفاده از توانایی های بالقوه است (بتورت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷؛ پالوت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸) افراد می توانند توانایی های مشابه از نظر سطح و نوع آنها داشته باشند، ولی ممکن است دارای سبک های مختلف باشند (پالوت، ۲۰۰۸). یا به عبارتی سبک های تفکر، روش های فکر کردن هستند، ترجیحاتی هستند درباره این که چگونه افراد از توانایی های هوشی خویش استفاده می کنند. چنین سبک هایی، توانایی های هوشی نیستند، هوش اشاره دارد به آنچه شخص می تواند انجام دهد؛ در حالی که سبک اشاره دارد به آنچه شخص ترجیح می دهد، انجام بدهد. ایده اصلی این نظریه آن است که

---

<sup>۱</sup> -Reber

<sup>۲</sup> -Betoret

<sup>۳</sup> - Palut

چنین سبکی خود هوش نیست، بلکه روش استفاده از هوش است (بالوگلو و کاراداگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). لذا افراد مختلف با توجه به اینکه محیط تحصیلی و شغلی آنان تا چه اندازه با سبک های تفکرشان همسو یا مغایر باشد می توانند در مراحل مختلف تحصیلی و در یادگیری دروس مختلف و همچنین مراحل مختلف شغلی خود حضور قوی تر یا ضعیف تری داشته باشند (استرنبرگ، ۱۹۹۸).

همانطور که برای اداره کردن جامعه راههای زیادی وجود دارد برای اداره کردن یا مدیریت فعالیت های یادگیری نیز راههای زیادی وجود دارد این راههای متفاوت اداره کردن فعالیتهای یادگیری یا به کارگیری توانایی ها را سبک تفکر می توان نامید (بتورت، ۲۰۰۷).

با توجه به گفته بالا سبک های تفکر افراد با هم متفاوت است افراد در چارچوب یک سبک محبوس و گرفتار نیستند بلکه قادرند سبک های تفکر خود را با موقعیت ها و تکالیف مختلف تغییر دهند.

با توجه به تحقیقات انجام شده پیرامون نقش و اهمیت سبک های تفکر در یادگیری و آموزش، می توان گفت: سبک های تفکر به اندازه تواناییها و شاید بیشتر، یکی از عوامل مهم پیش بینی کننده پیشرفت تحصیلی و آموزش موثرتر هستند. استرنبرگ و گریگورنکو (۱۹۹۷) در تحقیقات خود بر روی کودکان تیز هوش نشان دادند، سبک های تفکر قانونی<sup>۲</sup> و قضایی<sup>۳</sup> به طور مثبت به پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کمک می کند، در حالی که سبک تفکر اجرایی<sup>۴</sup> با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان همبستگی منفی دارد. ژانگ<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) در مطالعه رابطه بین سبک های تفکر و پیشرفت تحصیلی نشان داد که سبک تفکر محافظه کارانه<sup>۶</sup> به طور مثبت و سبک های کلی<sup>۷</sup> و آزاداندیش<sup>۸</sup>، به طور منفی عملکرد تحصیلی دانشجویان را پیش بینی می کند.

---

<sup>۱</sup> - Baloglu & Karadag

<sup>۲</sup> - Legislative

<sup>۳</sup> - Judicial

<sup>۴</sup> - Executive

<sup>۵</sup> - Zhang

<sup>۶</sup> - Conservative

<sup>۷</sup> - Global

<sup>۸</sup> - Liberal

مدل های مختلفی برای تبیین و پیش بینی پیشرفت تحصیلی ارائه گردیده است. از جمله ری<sup>۱</sup> و الیوت<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) مدلی ارائه کردند که پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را براساس خودپنداره، مهارت های اجتماعی و توانش تحصیلی، پیش بینی می کند، نلسن<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۶) مدلی ارائه کردند که روابط متقابل میان مهارت های زبانی، برونی کردن رفتار و سیالی تحصیلی و تاثیر آنها بر مهارت های تحصیلی دانش آموزان را نشان می داد. عرفانی (۱۳۸۸) به تدوین مدل موفقیت تحصیلی بر اساس مهارتهای عملکردی پرداخت.

در این پژوهش بر آنیم تا بر مبنای سبکهای تفکر، مدلی برای تبیین پیشرفت تحصیلی ارائه دهیم. بنابراین عمده مسائلی که این پژوهش با آن روبرو بود، آیا به وسیله سبک های تفکر دانشجویان می توان پیشرفت تحصیلی آنها را تبیین کرد؟ سهم هر یک از مولفه های سبک تفکر دانشجویان در پیش بینی پیشرفت تحصیلی چقدر است؟ بین رشته تحصیلی دانشجویان و سبک های تفکر چه رابطه ای وجود دارد؟

### ضرورت و اهمیت

زندگی انسان به یادگیری وابسته است و هدف اساسی هر نظام آموزشی ایجاد شرایط بهینه برای تسهیل یادگیری است. یکی از مباحثی که امروزه مطرح است، ارتباط بین یادگیری و سبک های تفکر است که مطالعات روانشناسی زیادی را متوجه خود ساخته است. با توجه به تحقیقات انجام شده پیرامون نقش و اهمیت سبک های تفکر در یادگیری و آموزش، می توان گفت، سبک های تفکر به اندازه تواناییها و شاید بیشتر، یکی از عوامل مهم پیش بینی کننده پیشرفت تحصیلی و آموزش موثرتر در رشته ها و دروس مختلف می باشد.

استرنبرگ (۱۹۹۷) معتقد است، سبک های تفکر (قابل آموزش و تغییراند) و از عوامل مختلفی همچون فرهنگ، جنسیت، سبک های والدین، مدرسه و شغل و... متاثر هستند، شناخت سبک های تفکر و متغیرهای مرتبط با آن در نظام آموزشی امری لازم و ضروری است، زیرا بسیاری از تفاوتها

<sup>۱</sup> -Ray

<sup>۲</sup> - Elliott

<sup>۳</sup> - Nelson

در عملکرد افراد را می توان به جای نسبت دادن به توانایی، به سبک های تفکر نسبت داد . به طوری که اگر اساتید از سبک های تفکر دانشجویان آگاهی داشته باشند، با طراحی و ارائه فعالیتهای آموزشی و یادگیری بر اساس سبک های تفکر و ترجیحات افراد، ایجاد کننده یادگیری فعال در دانشجویان می باشند.

از آنجا که افراد به روشهای متنوعی یاد می گیرند، آموزش موثر باید همه حواس را در بر گیرد و معلمان و دانش آموزان را در فعالیتهای متنوعی شرکت دهند. لذا چنانچه سبک های آموزشی معلمان، متفاوت از سبک های یادگیری دانش آموزان باشد، ممکن است تعارضاتی رخ نماید که فرایند آموزشی را مختل کند (جنسن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵؛ به نقل از عبدالله زاده، ۱۳۸۶).

### سئوالهای تحقیق:

۱- آیا بین سبک تفکر قانون گذارانه (آفریننده)<sup>۲</sup> و موفقیت تحصیلی دانشجویان همبستگی وجود دارد؟

۲- آیا بین سبک تفکر اجرایی (تحقق بخش)<sup>۳</sup> و موفقیت تحصیلی دانشجویان همبستگی وجود دارد؟

۳- آیا بین سبک تفکر قضایی (ارزشیابانه)<sup>۴</sup> و موفقیت تحصیلی دانشجویان همبستگی وجود دارد؟

۴- آیا بین سبک تفکر پادشاهی<sup>۵</sup> (تک سالاری) و موفقیت تحصیلی همبستگی وجود دارد؟

۵- آیا بین سبک تفکر سلسله مراتبی (پایورسالاری) و موفقیت تحصیلی دانشجویان همبستگی وجود دارد؟

۶- آیا بین سبک تفکر الیگارش<sup>۷</sup> (جرگه سالاری) و موفقیت تحصیلی دانشجویان همبستگی وجود دارد؟

---

<sup>۱</sup> -Jensen

<sup>۲</sup> -Legislative (creative)

<sup>۳</sup> - Executive (implementive)

<sup>۴</sup> - Judicial (evaluative)

<sup>۵</sup> - Monarchic

<sup>۶</sup> - Hierachic

<sup>۷</sup> - Oligarchic